

محمود باقری‌بند - فاروین

این مقاله کوششی است در جهت شناخت مختصر ایران‌شناسانی که به نوعی در یکی از حوزه‌های زبان و ادب فارسی به تحقیق پرداخته‌اند. در لا به لای این مقاله به این نکات دست می‌یابیم که شرقیان در پی تفسیر هستی بودند اما غربیان خصوصاً پس از رنسانس در پی تغییر هستی برآمدند. دیگر این که یکی از علل تنبغات شرق‌شناسان، نگاه روشمند و منتقدانه‌ی آن‌هاست و در میان این شرق‌شناسان گاه چهره‌ای منفی از ایران نیز ساخته‌اند. این نوشته به قلم محمود باقری‌بند، دبیرستان‌های قزوین است که پیش‌تر نیز مقالاتی از وی در مجله‌ی رشد ادب چاپ شده است.

\*\*\*

– مستشرقین به آن طیف از علمایی گفته می‌شود که فن آن‌ها تحقیق و مطالعه و تتبع علمی در آداب ملل شرق از زبان، تاریخ و ادیان، عادات و عقاید، اساطیر و آثار مکتوب و منقوش آن‌هاست به منظور جمع معلومات و اطلاعات و استنباط نکات مخفیّه و کشف جهات دقیق آن و تکمیل و ترقی و توسعه دادن آن.<sup>۱</sup>

– نهضتی که در دنیای اسلام جهت ترجمه‌ی کتب یونانی، هندی، فارسی و... به زبان عربی به راه افتاد و مسلمین به اوج ترقی علمی دست یافتند، در دنیای غرب بعد از فترت علمی همان جنبش تکرار شد و همه دستاوردهای مسلمین را به لاتین ترجمه کردند از جمله‌ی مترجمین متبحر جرارد ایتالیایی (وفات ۱۵۸۳) است؛ که بسیاری از کتب یونانی و عربی از جمله قانون ابن سینا و کتب رازی را به لاتین ترجمه کرد.

– پس از نهضت جدید علمی در اروپا به تدریج در دارالفنون‌ها و مراکز علمی مغرب زمین، رشته‌ها و شعبه‌های علوم بشری مورد اقبال قرار گرفت و علم مشرق‌شناسی و تحقیقات راجع به کلیه‌ی شئون اجتماعی، لغوی، فلسفی، دینی و آداب و جغرافیا رو به تکامل گذاشت.<sup>۲</sup>

شرقیان و حکمای آن در پی تفسیر هستی بودند، اما غربیان پس از نهضت رنسانس در پی تغییر هستی بودند به منظور تسلط بر آن. در باب خاورشناسی و انگیزه‌های آن دیدگاه‌های متفاوتی است و از آن جمله است:

الف: حس علم‌جویی و کشف نایافته‌ها و اصولاً ارزش دانایی در برابر جهل و یا حس ماجراجویی که گاه مستشرقین به موضوع مورد بحث و ملت دارنده‌ی آن تمدن عشق می‌ورزیده‌اند.

ب: مقاصد سیاسی و منافع استعمارگرانه

در وای این علم نهفته است. «صحبّت شرق‌شناسی که به احتمال قریب به یقین انگلیسی است روئیده بر ریشه‌ی استعمار، مستشرقی که در ولایت خود هیچ تخصصی نداشته و به این مناسبت با آموختن یک زبان شرقی به خدمت مخفی یا علنی وزارت خارجه‌ی مملکت خود درآمد...»<sup>۳</sup>

– شرق‌شناسان ابتدا به فراگیری زبان عربی روی آوردند تا با دنیای اسلام آشنا شوند، سپس به زبان ترکی برای شناسایی دولت ترک زبان عثمانی که یکی از قدرتمندترین دولت‌های آسیایی-اروپایی آن عصر بود و سپس به فراگیری زبان هند و هندشناسی جهت حفظ و تحکیم قدرت خود در هندوستان.

– ایران‌شناسی ذیل اسلام‌شناسی در مؤسسات مطالعات یا السنه‌ی شرقی در اروپا بررسی می‌شد و موضوعات آن عبارتند از تحلیل آثار ادبی، ترجمه‌ی آثار ادبی و غیره، پژوهش تاریخی و جغرافیایی، پژوهش در السنه‌ی ایران پیش از اسلام، پژوهش در باب موسیقی، پژوهش در باب هنر و صنایع دستی، جست و جوی آثار مادی تمدن ایرانی (حفاری) و ارزیابی و بازخوانی آن‌ها، پژوهش در باب گویش‌های ایرانی مثل کردی، گیلکی، بلوچی، پژوهشی در باب ادیان ایرانی (زردشت، مانی، مزدک) پژوهشی در باب مخطوطات قبل از اسلام، پژوهش در باب عرفان ایرانی و اسلامی، پژوهش در باب اساطیر ایرانی و داستانهای حماسی، پژوهش در باب مردم‌شناسی، اقتصاد ایران، پژوهش در باب شیعه و اسلام و...

اما ایران‌شناسی در انگلستان عامل دیگری هم داشته است، زیرا زبان فارسی در شبه‌قاره زبان رسمی بود و با فرا گرفتن آن بهتر می‌توانستند با مردم هند یا لاقبل بخش عظیمی

از آن ارتباط برقرار کنند و سلطه‌ی خود را استحکام بخشند.

ایران‌شناسان گاه چهره‌ای مثبت و گاه منفی از ایرانیان و ایران به جهانیان معرفی نموده‌اند، فی‌المثل جیمز موریه در کتاب حاجی بابای اصفهانی سیمای منفی و نازیبایی از ایران را معرفی کرده است اما نیکلسون، به زعم بسیاری از بزرگان دیگر هم وطن او به ایران عشق می‌ورزیده و با نهضت مشروطه خواهی و آزادی خواهان همراهی و همگامی می‌کرده است.

بعد از شکست یزدگرد ساسانی گسست فرهنگی بین ایران قبل از اسلام و بعد از آن پدید آمد، زیرا پس از قبول شریعت مقدّس اسلام، ایرانیان به جهت نیازهای دینی و دنیوی و تردیدی که در جایز بودن استعمال خط و زبان زردشتی پیش آمده بود به آموختن زبان عربی اهتمام کردند.<sup>۴</sup> و به زبان و مخطوطات قبلی و فراگیری آن توجهی نکردند، تا اینکه شرق‌شناسان اروپایی این میراث ما را رمزگشایی کردند.

– آنتیگل دو پرون کاشف اوستا در قرن هیجدهم بود و فقراتی از آن را نیز منتشر کرد و «دارمستتر» بی‌تردید یکی از درخشان‌ترین استادان زبان‌های کهن ایرانی بود که به پیشرفت زبان‌شناسی ایران و شناخت زبان پهلوی خدمات مهمی کرد و گرو توفند آلمانی موفق شد رمز نوشته‌های خط میخی کتیبه‌های بیستون کرمانشاه را کشف کند یا دلاواله شرق‌شناس ایتالیایی توانست بسیاری از مخطوطات شرقی را گردآوری کند.

– آثاری که در زمینه‌های مختلف مطالعات ایرانی منتشر شد و می‌شود بسیار چشم‌گیر و معتابه است و چنان‌که نظر می‌رسد که معرفی ایران‌شناسان و آثار آن‌ها به دلایلی ارزشمند



# یگانگان آشنا

باشد.

الف: با توجه به وجود کتب مرجع و مخطوطات شرقی و کتابخانه‌های عظیم اروپا، ابزارهای تحقیق و پژوهش برای مستشرقین آسان‌تر و عمیق‌تر است.

ب: نگاه روش‌شناسانه و منتقدانه‌ی ایران‌شناسان در باب فرهنگ ایرانی.

در اینجا اسامی ایران‌شناسان برجسته‌ای که آثار ایرانی را ترجمه کردند و عظمت فرهنگ ما را به جهانیان نمودند و همچنین اسامی آن دسته از مستشرقانی که بر آثار ما نقد نوشتند و به شناسایی رمز و راز آن پرداخته‌اند و یا پژوهش‌های گوناگونی در زمینه‌های مختلف فرهنگ و تمدن ایرانی نموده‌اند، آورده می‌شود:

۱- آرنولد توین بی: خاورشناس انگلیسی از آثار اوست؛ هنر نقاشی در جهان اسلام، تاریخ تمدن (تاریخ تحلیلی از آغاز تا عصر قاجاریه) ترجمه‌ی دکتر یعقوب آژند.

۲- ج. آبول: استاد مطالعات ایرانی در دانشگاه منچستر، تحقیقات وی در زمینه‌ی عهد مغول در ایران متمرکز شده، وی جهان‌گشای جوینی را به انگلیسی ترجمه کرده است.

۳- آنقروی، اسماعیل. وی مثنوی مولوی را به ترکی ترجمه و شرح مفصلی بر آن نوشته است. که بخشی از آن را آقای دکتر علی اکبر بهروز و خانم ستارزاده به فارسی ترجمه کردند. مرحوم فروزانفر آن را دقیق‌ترین شرح مثنوی خوانده است.

۴- اِرانسکی، یوسف میخائیلوویچ: از آثار اوست: زبان‌های ایرانی ترجمه‌ی علی اشرف صادقی (که به معرفی زبان‌های ایران باستان - ایرانی میانه و ایرانی نو می‌پردازد) هم‌چنین مقدمه‌ی فقه‌اللسّغه ایرانی ترجمه‌ی کریم

کشاوری، (۱۳۵۸).

۵- اته (هرمان اته) خاورشناس اواخر قرن نوزدهم، وی ۹۲ رباعی از شیخ ابوسعید ابوالخیر (متوفی ۴۴۰) را به نظم آلمانی ترجمه و چاپ نمود. اته راجع به ازرقی شاعر (متوفی ۵۲۶) تحقیقاتی نموده و نیز بسیاری از شعرا و عرفا را نام برده است. هم‌چنین وی بخشی از فصل‌های اوستا را نیز به آلمانی ترجمه کرده است.

۶- اِشپولر: استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه هامبورگ است. بررسی‌های وی در زمینه‌ی عهد اسلامی و عهد مغولی است. از آثار او می‌توان «ایران در عصر اسلامی تا ورود ترکان سلجوقی» و «ایران در عهد مغول» و «جهان اسلام» را نام برد. اثر اوکی او در ۲ جلد به قلم دکتر فلاطوری و خانم مریم میراحمدی به فارسی ترجمه و منتشر شده است.

۷- دکتر اولریش مارتسولف: استاد مردم‌شناسی و ادبیات فارسی و عربی که مدتی در دانشگاه مشهد نزد استادانی چون سید جلال‌الدین آشتیانی و دکتر غلام حسین یوسفی به آموختن زبان فارسی پرداخت، از آثار این شرق‌شناس آلمانی می‌توان به «طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی» با ترجمه‌ی آقای کیکاووس جهانداری اشاره کرد.

۸- الول ساتن - لارنس پل: شرق‌شناس و ایران‌شناس مشهور انگلیسی (وفات ۱۹۸۴) هنگامی که در دوران جنگ جهانی دوم در ایران مأمور بود با پیرزنی ایرانی به نام مشدی گلین خانم، بروردی الاصل ساکن تهران آشنا شد که گنجینه‌ی گران بها و بی‌پایانی از قصه‌های عامیانه‌ی ایرانی را در حافظه داشت الول ساتن، این قصه‌ها را تحریر کرد که شامل ۱۱۰ قصه‌ی عامیانه است.

۹- خانم امیکو اوکادا: ایران‌شناس ژاپنی

و مترجم شاهنامه به زبان ژاپنی

۱۰- بارتولد: خاورشناس روسی (۱۹۳۰ - ۱۸۶۹) است که به گونه‌ی عالمانه و منصفانه درباره‌ی خاورزمین تاریخ ترک‌های آسیا (ماوراءالنهر) و ترکستان تحقیق کرده است. از آثار او می‌توان به «کتاب خاورشناسی در روسیه و اروپا» و کتاب جغرافیای تاریخی ایران و کتاب تاریخ ترک‌های آسیای میانه و کتاب «الموت» اشاره کرد که به ترتیب به وسیله‌ی حمزه سردادور و همایون صنعتی‌زاده و دکتر غفار حسینی و محمدرضا مباشر به فارسی ترجمه شد. کتابی دیگر از او تحت عنوان «گزارش سفر باستان‌شناسی به آسیای مرکزی» با ترجمه‌ی خانم مریم جبه‌داری (۱۳۷۹) به فارسی ترجمه شد.

۱۱- بائوزائی: زبده‌ترین محقق ادبیات فارسی در ایتالیا از جمله‌ی آثارش «تاریخ ادبیات ایران در دوره‌ی اسلامی»، «دین ایرانی»، ترجمه‌ی آثار اقبال لاهوری، تحقیق درباره‌ی عبدالقادر بیدل دهلوی و هم‌چنین غالب دهلوی، ترجمه‌ی هفت پیکر نظامی گنجه‌ای و ترجمه‌ی متون زردشتی از زبان پهلوی به ایتالیایی اشاره کرد.

۱۲- براون- ادوارد: پسر صاحب و رییس یک کارخانه کشتی‌سازی از اهل نیوکاسل بود وی به سال ۱۸۶۲ به دنیا آمد و پس از تحصیل مقدماتی در دانشگاه کمبریج به فراگرفتن زبان عربی، فارسی و ترکی همت گماشت. رشته‌ی اصلی او طبابت بود اما بیشتر ساعات فراغت خود را به خواندن کتاب‌های فارسی می‌پرداخت و به سال ۱۸۸۷ به ایران سفر کرد و یک سال در ایران بود، ره آورد این سفر کتاب «یک سال در میان ایرانیان» بود. از سال ۱۸۹۵ به تحریر کتابی



در تاریخ ادبیات ایران پرداخت و موضوعات آن تا وقایع عصر مغول را شامل می‌شود. و تحت عنوان‌های تاریخ ادبی ایران با ترجمه‌ی علی پاشا صالح، از فردوسی تا سعدی با ترجمه‌ی فتح‌الله مجتبی‌ی و از سعدی تا جامی با ترجمه‌ی علی اصغر حکمت به فارسی برگردانده شد. از آثار دیگر او «انقلاب ایران» و «جراید و اشعار ایران جدید» در باب نهضت مشروطه است.

۱۳- برستد (پروفیسور جیمز هنری برستد) استاد دانشگاه شیکاگو و مؤلف کتاب «روزگار باستانی» که بخشی از آن مربوط به ایران است یعنی مربوط به اکتشافات و حفاری‌هایی است که در دامغان و تخت جمشید و ری توسط استاد هرستفلد آلمانی و دکتر اشמיד به عمل آمد، خود برستد هم به تخت جمشید مسافرت کرد و تحقیقات خود را ادامه داد.

۱۴- برتگس: از آثار این خاورشناس شهیر می‌توان کتاب‌های ناصر خسرو و اسماعیلیان ترجمه‌ی یحیی آرین پورو کتاب تصوف و ادبیات تصوف ترجمه‌ی سیروس ایزدی را نام برد. ۲۹۵ اثر پژوهشی، میراث علمی او را تشکیل می‌دهد و در زمان حیاتش (۱۸۹۰ در پترزبورگ، ۱۹۵۷) یکی از بزرگ‌ترین کارشناسان جهان در رشته‌ی ادبیات فارسی و برخی از زبان‌های خاوری بوده است.

۱۵- بریان-پی‌یر، ایران‌شناس فرانسوی. از آثار اوست: آسیای میانه و خاور نزدیک در هزاره‌ی نخست پیش از میلاد ۱۹۸۴ - دولت و شهبانان در خاورمیانه‌ی باستان (۱۹۷۲)

۱۶- پطروشفسکی: (۱۸۹۸-۱۹۷۷) از مشهورترین محققان ایران‌شناس روس است. از آثار اوست: کتاب «اسلام در ایران از هجرت تا پایان قرن نهم» که در انتهای کتاب توضیحاتی به قلم استاد محمدرضا حکیمی آمده است. کتاب کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول با ترجمه‌ی کریم کشاورز، و کتاب «نهضت سربداران خراسان» با ترجمه‌ی کریم کشاورز.

۱۷- پوپ (پروفیسور آرتور پوپ) خاورشناس صنایع اسلامی (امریکایی) یکی از

دوستاناران ایران و ستایشگر نامی هنرهای زیبای ایران است. بارها برای مطالعات به ایران سفر کرده است. شاهکار او تألیف کتاب مهم و مصوری است در ۷ جلد به نام «نظری بر هنر ایران»؛ که گذشته از تصویرهای مفصل آثار ایرانی، حاوی مقالاتی سودمند از خاورشناسان نامی است.

۱۸- پیتر اژوسکی (ایران‌شناس لهستانی) وی قوم اوستایی را نیاکان مستقیم لهستانی امروزی می‌شمارد و می‌خواهد ثابت کند که زبان اوستایی یک زبان اسلاوی قدیمی است و «تفسیر اوستا» را به زبان لهستانی نگاشت (۱۸۵۸-۱۸۶۲)

۱۹- تاور-فیلکس F. Taure مستشرق چکسلواکی. وی ظفرنامه‌ی شامی را تصحیح کرده است و به همت پناهی سمنانی، از سوی انتشارات بامداد در تهران منتشر شده است. همچنین در نوشتن تاریخ ادبیات یان ریپکا سهم بوده است.

۲۰- خانم تورتل-کریستی ین: ایران‌شناس فرانسوی، از آثار اوست: سخنان یک عارف (ابوالحسن خرقانی)، ترجمه‌ی اسرارنامه از فریدالدین عطار و تمهیدات عین‌القبضه همدانی.

۲۱- نکستون، ایران‌شناس انگلیسی، که رسائل رمزی و عرفانی شیخ اشراق را به انگلیسی ترجمه کرده است (۱۹۸۲ در لندن) که شامل مونس العشاق، لغت موران، فی حقیقه‌العشق، آواز پر جبرئیل عقل سرخ، قصه‌ الغرۃ الغریبه است.

۲۲- جاکسن-ویلیام، مستشرق معروف امریکایی، معلم دارالفنون کلمبیا در نیویورک، وی دو بار به ایران آمده است و در باب تاریخ، اصول دین زردشت، زبان اوستایی و فرهنگ قدیم ایران از سرآمدان عصر ما محسوب می‌شود، کتاب «تبعات زرتشتی» تاریخ ایران گذشته و حالیه از آثار اوست، (۱۹۳۰)

۲۳- جرالد-جولیا فیتز: خاورشناس انگلیسی (وفات ۱۸۸۳) وی عاشق و فریفته‌ی خیام بوده است او را کتاب و اشعاری است و

نثر او هم عالی بوده است نامه‌هایش در ادبیات انگلیسی معروف است. وی رباعیات خیام و قصه‌ سلامان و ابسال جامی و منطق الطیر عطار را از فارسی به انگلیسی ترجمه کرد.

۲۴- جونز-ویلیام: خاورشناس معروف انگلیسی قرن هجدهم، وی تاریخ نادرشاه و بخشی از غزلیات حافظ را با کمک وینفیلد ترجمه نمود، اوکی را به زبان انگلیسی و دوومی را به زبان فرانسوی. همچنین منتخباتی از اشعار آسیایی را نیز منتشر کرده است.

۲۵- خودزکو-الکساندر: محقق و دیپلمات روس در ایران (۱۸۰۴-۱۸۹۱) با انتشار آثاری درباره‌ی نمایش و شعر عامیانه‌ی ایرانی و تحقیقی درباره‌ی دستور زبان فارسی، و یک اثر تاریخی و جغرافیایی درباره‌ی استان گیلان، همت خود را نموده است.

۲۶- دنیس راس: خاورشناس معروف انگلیسی (۱۸۷۱-۱۹۴۰) رییس دانشکده‌ی زبان شرقی دانشگاه لندن وی فارسی، عربی و تبتی را فراگرفت و با زبان چینی و سانسکریت اندک آشنایی پیدا کرد. از جمله‌ی آثار اوست: رساله‌ای در باب اوایل زندگی شاه اسماعیل صفوی، ترجمه‌ی تاریخ رشیدی، کتاب خلیج فارس و هنر و ادبیات شرقی.

۲۷- پروفیسور دوبرین، خاورشناسی که ملیت هلندی دارد. از آثار اوست «حکیم اقلیم عشق» با ترجمه‌ی مهیار علوی مقدم و محمدجواد مهدوی در باب آثار و افکار سنایی، هدف مؤلف از این پژوهش یافتن جایگاه حقیقی سنایی در نقاط پیوند مذهب و ادبیات بوده است. از دیگر آثار او می‌توان از «شعر صوفیانه‌ی فارسی» ترجمه‌ی دکتر مجدالدین کیوانی، نام برد. این کتاب سیر تفکر صوفیانه در شعر فارسی از سده‌ی چهارم هجری تا روزگار جامی است.

۲۸- دوساسی: بزرگ‌ترین خاورشناس فرانسوی قرن ۱۹ که پندنامه‌ی عطار را در سال ۱۸۱۱ و نفعات الانس جامی را به سال ۱۸۳۱ به فرانسه ترجمه کرد. وی در خواندن متون پهلوی نیز موفقیت‌های درخشانی به دست



آورد.

۲۹- دومنار: شرق شناس فرانسوی که بوستان سعدی را به فرانسه ترجمه کرد، و فرهنگی هم به زبان فرانسه نوشته که واژه های ادبی، تاریخی و جغرافیایی متداول در زبان فارسی را در آن شرح داده است. همچنین کتاب مروج الذهب مسعودی و آن بخش معجم البلدان یا قوت را که به ایران مربوط بوده به زبان فرانسوی ترجمه کرده است.

۳۰- دویشن گیلمن، ژاک: محقق نامدار بلژیکی در قرن حاضر و نویسنده ی کتاب «اورمزد و اهریمن» که با ترجمه ی دکتر عباس باقری به فارسی برگردانده شد. وی استاد زبان ها و ادیان پیش از اسلام ایران در دانشگاه لیژ بلژیک است.

۳۱- دار مستتر: بی تردید یکی از درخشان ترین استادان زبان های کهن ایرانی بود که در پیشرفت زبان شناسی ایرانی و شناخت زبان پهلوی خدمات مهمی کرد و در سال ۱۸۹۲ اولین ترجمه ی کامل از اوستا را منتشر کرد.

۳۲- دومناش: ایران شناس فرانسوی، حوزه ی مطالعات وی درباره ی دوره ی ساسانی و آیین زردشتی است، کتاب «آتش و بنیادهای مقدس در قانون ساسانی» از اوست. و کتاب «موقوفات و بنیادهای دینی در حقوق ساسانی»

۳۳- دوفوشه کور: خاورشناس شهیر که از آثار او می توان به وصف طبیعت در غزل فارسی قرن پنجم هجری (۱۹۶۹) و مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از قرن ۳ تا قرن هفتم هجری (۱۹۸۶) اشاره کرد که دومی جای خود را به عنوان مرجع باز کرده است، وی جانشین پروفیسور هانری کُربن در مقام مدیر انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران شد.

۳۴- دورینگ- ژان: اثر او کتاب «موسیقی ایران» است. (۱۹۸۴) این کتاب درباره ی موسیقی ایرانی و فنون و رسوم و گرایش های موسیقایی، منشاء آن و عوامل مؤثر بر آن و تأثیر آن در فرهنگ ایرانی است و یکی از نخستین آثار جامعی است که درباره ی موسیقی به یکی از زبان های اروپایی نوشته شد.

۳۵- دیولانول: وی در باب جغرافیای انسانی تحقیقی جامع کرده است، از آثار اوست: کتاب «تحقیقی در جغرافیای انسانی شمال ایران» و کتاب «مبانی جغرافیایی تاریخ اسلام» (۱۹۶۸).

۳۶- دولبا: محقق لهستانی است از آثار اوست: جنگ اشعار فارسی در ۳ جلد (۱۹۷۷ تا ۱۹۸۶) آثار شاعران ایرانی را به شعر سپید لهستانی ترجمه کرده است. ترجمه ی منتخبی از اشعار حافظ و ترجمه ی تمام شاهنامه به شعر مثنوی لهستانی.

۳۷- خانم دورشنگو- النا (متولد ۱۹۲۰) از ایران شناسان مشهور روس، از آثار اوست: «درباره ی علمای شیعه در ایران» (۱۹۷۵)، «درباره ی زرتشتیان ایران» که حاوی اطلاعات مفیدی است.

۳۸- رابینو: مستشرق معروف انگلیسی، نویسنده ی کتاب روابط سفیری و قونسولی بین ایران و انگلیس و کتابی در باب مسکوکات و مهرهای ایران به انگلیسی. وی اصلاً ایتالیایی است اما بعدها به تابعیت انگلیس درآمد.

پدر وی سالیان دراز ریاست یکی از بانک های مهم ایران را داشت و ظاهر آرابینو خود در ایران متولد شده و علاقه ی زیادی به آداب و معارف ایرانی داشت وی مدتی قونسول انگلیس در رشت بود (۱۹۰۶ تا ۱۹۱۲) کتاب معروف دیگری دارد به اسم «مازندران و استرآباد» که آقای وحید مازندرانی آن را به فارسی برگردانده است.

۳۹- راولینسن، سر هنری (۱۸۱۰-۱۸۹۵) افسری انگلیسی بود و به سمت مشاور نظامی به استخدام دولت ایران درآمد. و فرصتی یافت تا بر روی سنگ نوشته ها مطالعه نماید، کشف سنگ نبشته ی بزرگ داریوش در بیستون توسط او انجام شد راولینسن بدون اطلاع از پیشرفت های گروتفند آلمانی به نتایج مشترکی رسید.

۴۰- ریتر، هلموت: ایران شناس آلمانی، اثر مهم او «دریای جان» است؛ تحقیقی بسیار ممتاز درباره ی اصطلاحات و تعبیر ادبی و دینی

حوزه های عرفانی و صوفیانه ی فریدالدین عطار که به وسیله ی مرحوم عباس زریاب خوبی و خانم مهر آفاق بایبوردی به فارسی ترجمه شد.

۴۱- ریپکا: ایران شناس معسروف چکسلواکی متولد سال ۱۸۸۶. وی پس از تحصیل مقدماتی راهی شهر وین شد و به تحصیل خاورشناسی پرداخت و در دانشگاه وین زبان های ترکی و فارسی را فراگرفت و موفق به اخذ درجه ی دکترای فیلولوژی (زبان شناسی و متن شناسی) شد (۱۹۱۰). مجموعه ی مقالات او تحت عنوان یادنامه ی یان ریپکا منتشر شد. وی به مناسبت هزاره ی فردوسی درباره ی بحر متقارب و بررسی مقایسه ای شاهنامه و یوسف و زلیخا و گرشاسب نامه اسدی، سخنرانی کرد. وی کتابی در باب تاریخ ادبیات ایران دارد که با همکاری اوتاکاریکما و... تألیف شد و به وسیله ی دکتر عیسی شهابی به فارسی ترجمه شد (از دوران باستان تا قاجاریه).

۴۲- ژول مُسل: (۱۸۰۰-۱۸۷۶) ایران شناس شهیر فرانسوی. این شاهنامه شناس و عالم بی بدیل فرانسوی عمر خود را صرف ترجمه ی شاهنامه ی فردوسی به زبان فرانسه کرد، و موفق شد ۶ جلد از کار خود را به اتمام رساند و جلد پایانی (جلد ۷) را شاگرد وی یعنی باریه دومینار در سال ۱۸۷۸ به چاپ رسانید. وی همچنین سه باب از مجمل التواریخ را به زبان فرانسوی ترجمه کرد.

۴۳- ژوکوفسکی: مستشرق مشهور روسی اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، وی اسرارالتوحید محمد بن منور را در سال ۱۸۸۹ در پتروگراد طبع نموده و شرح حال او را نیز نگاشته است، همچنین کشف المحجوب هجویری را نیز تصحیح کرده است.

۴۴- ژینو: ایران شناس فرانسوی که کتاب ارداویرافنامه را آوانگاری و به فرانسه ترجمه کرده است.

۴۵- سودی: محمد افندی معروف به سودی یکی از فضیلهای اهالی بوسنی از ولایات عثمانی قدیم بود که در ادبیات فارسی و عربی تسلط کامل داشته است، وی شرحی بر حافظ



به زبان ترکی نوشت و آن را به سال ۱۰۰۳ هجری به پایان برد و خانم دکتر عصمت ستارزاده آن را در ۴ جلد به فارسی منتشر کرده است (آغاز ترجمه سال ۱۳۴۱)

۴۶- شیلی نعمانی: ایران شناس بزرگ هند، از آثار اوست: شعر العجم یا تاریخ شعرا و ادبیات ایران با ترجمه‌ی فخر داعی گیلانی، تهران، ۱۳۶۳

۴۷- شویلی، منتشا: مورخ گرجستانی است که مطالعه‌ی وسیعی درباره‌ی تاریخ و نحوه‌ی زندگی کنونی کرده‌ها در ایران، عراق - ترکیه و سوریه نموده است و کتابی تحت عنوان «گردها» منتشر کرده است.

۴۸- فریدریش روکرت: مترجم شاهنامه‌ی فردوسی به زبان آلمانی. وی در این ترجمه غالباً بر صنعت مبالغه‌ی ایرانیان اعتراض و انتقاد کرده است و آن را کج سلیقه‌ی دانسته است.

۴۹- فلور- ویلم: (هلندی) کارشناس ارشد بانک جهانی و بزرگ‌ترین محقق فرنگی تاریخ ایران در دوره‌های صفوی و قاجاریه است. کتاب «اشغال ایران به دست افغان‌ها» از اوست، کتاب به زبان انگلیسی است، گزارش وی مستند، دقیق و بی طرفانه است از آن واقعه‌ی ناگوار. اثر دیگر وی کتاب «تاریخ مالی ایران در دوران صفویه و قاجاریه است» که به وسیله‌ی ابوالقاسم سری به فارسی ترجمه شده است.

۵۰- فولبرس: از شاهنامه پژوهان مشهور که توانست بر اساس متون ترمزماکان (۱۸۲۹) و ژول مل (۱۸۲۶) متن انتقادی فراهم کند که خود موفق به انتشار ۲ جلد آن (۱۸۷۷-۱۸۷۹) شد و جلد سوم را لاند اوئر (۱۸۸۴) و جلد آخر آن را روزنبرگ (۱۹۳۰) خاورشناس روس آماده کرد.

۵۱- کالاسو: ایران شناس ایتالیایی، این خانم محقق، تحقیقاتی درباره‌ی مضامین حماسی و افسانه‌ای اشعار خاوران‌نامه‌ی ابن حُسام خوشفی کرده و هم چنین لیلی و مجنون نظامی را به زبان ایتالیایی ترجمه نموده است.

۵۲- کریستوفر بالایی و میشل

کویپرس: درباره‌ی خاستگاه رمان فارسی و نفوذ ادبیات خارجی در آن، تحقیق نموده‌اند و کتاب «سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی» را به سال ۱۹۸۳، منتشر کردند، که بیشتر به آثار جمالزاده و دهخدا توجه داشته‌اند.

۵۳- کاترمر: خاورشناس فرانسوی (۱۷۸۲-۱۸۵۷) شاگرد دو ساسی، هم عصر با ژول مل که بر نظرات این فردوسی شناس شهیر ایراداتی وارد کرد. وی مترجم تاریخ غازانی رشیدالدین فضل‌الله به زبان فرانسوی است.

۵۴- کورویانگی: ایران شناس ژاپنی که تاکنون ترجمه‌ی چهارمقاله‌ی نظامی عروضی، قابوسنامه، هفت پیکر نظامی، رباعیات خیام و خلاصه‌ی شاهنامه‌ی فردوسی، همه از روی متون فارسی و به اهتمام او انتشار یافته است.

۵۵- کارل ارنست، (امریکایی) در حوزه‌ی زبان‌اشارت و عبارات عرفانی، کتاب «تفسیر قرآنی و زبان عرفانی روزبها بقلی» را نوشته است.

۵۶- کازیمرسکی: مستشرق معروف لهستانی ساکن در فرانسه (وفات ۱۸۷۰) وی گلستان سعدی را به زبان لهستانی و دیوان منوچهری را به زبان فرانسه ترجمه نموده است و نیز یک فرهنگ فرانسه به فارسی (۱۸۸۴) تهیه نموده است.

۵۷- کرین، هانری: ایران شناس نامدار فرانسوی (۱۹۰۳-۱۹۷۸) که بخش عمده‌ای از عمر پژوهشی خود را در ایران گذراند. کرین از طریق لویی ماسینیون با فلسفه و عرفان اسلامی آشنا شد و در معرفی اندیشه‌های فلسفی اسلامی ایرانی گام‌های مهمی برداشت مثلاً دو اثر از سید حیدر آملی را با همکاری عثمان یحیی تصحیح کرد و چند اثر از شیخ اشراق را منتشر ساخت. از آثار اوست «از ایران مزدایی تا ایران شیعی» و «اشراق در تصوف ایرانی» و «فلسفه‌ی اسلامی» و «اسلام ایرانی».

بسیاری را گمان آن بود که باب حکمت و عرفان در ایران پس از ملاًصدرا بسته شده و پس از ملاًهادی سبزواری دیگر فیلسوفی در ایران

ظهور نکرده است، اگر نبود کوشش‌های مرحوم دکتر هانری کرین و نیز استاد سید جلال‌الدین آشتیانی که سال‌های عمر پربار خود را در راه احیای میراث آن بزرگواران سپری کرده‌اند، چه بسا هنوز این نظر غالب بود.

۵۸- کریستن سن: ایران شناس دانمارکی، از آثار اوست: ایران در زمان ساسانیان ترجمه‌ی رشید یاسمی، نخستین انسان و نخستین شهریار ترجمه‌ی دکتر احمد تفضلی و دکتر ژاله آموزگار، هم چنین جمع‌آوری بخشی از افسانه‌های ایرانیان تحت عنوان «قصه‌های عامیانه‌ی ایرانی» که با ترجمه‌ی امیر شالچی منتشر شد، هم چنین تحقیق در باب رباعیات عمر خیام؛ و «کیانیان» با ترجمه‌ی ذبیح‌الله صفا (۱۳۴۳)

۵۹- کورکیان و ژان پی یر سیکر: تحقیق آن‌ها در باب هفت قرن مینیاتور ایران تحت عنوان باغ‌های خیال با ترجمه‌ی پرویز مرزبان در تهران (۱۳۷۷) منتشر شده که بیش از ۱۳۰ تصویر رنگی دارد.

۶۰- گاردان: ایران شناس قرن ۱۹، که در سال ۱۲۲۲ به ایران آمد، و کتابی در وصف این کشور نوشت. این کتاب با عنوان «خطرات مأموریت ژنرال گاردان در ایران» به وسیله‌ی عباس اقبال آشتیانی به فارسی ترجمه شد.

۶۱- گراملیش- ریچارد: ایران شناس آلمانی و شاگرد فریتس مایر و نویسنده‌ی کتاب ۳ جلدی طریقه‌های درویشی شیعی در ایران (۱۹۷۵-۱۹۷۶-۱۹۸۱) در واقع دایرةالمعارفی است درباره‌ی تصوف.

۶۲- گدار: استاد ایران شناس معروف فرانسوی، متخصص عتیقه که در استخراج آثار باستانی ایران خدماتی نموده است، از آثار اوست شرحی راجع به گنبدکاووس، ایران باستان، و انتشار مجله‌ای به نام راهنمای تاریخ هنر ایران.

۶۳- گوپینو، ژوزف آرتور (وفات ۱۸۸۲م) نویسنده‌ی فرانسوی است. وی به عنوان مأمور سیاسی به یونان، ایران و برزیل سفر کرد و کتاب تاریخ ایران طبق آثار شرقی، یونانی



و لاتین از آثار اوست. وی وزیرمختار فرانسه در ایران بود از آثار دیگر اوست «فلسفه و مذاهب در آسیای وسطی»

۶۴- گولپینارلی - عبدالباقی: وی از شارحان مثنوی معنوی مولوی است که به ترجمه و توضیح دکتر توفیق سبحانی در ۶ دفتر به فارسی ترجمه شد، از آثار دیگر اوست «ملامت و ملامتیان» با ترجمه‌ی دکتر توفیق سبحانی.

۶۵- گیرشمن: مدیر هیئت باستان‌شناسان فرانسه در ایران (۱۹۴۷) که دستاوردهای خود را در کتاب‌های «ایران از آغاز تا اسلام» (۱۹۵۱) و «پارتیان و ساسانیان» (۱۹۶۲) عرضه کرده است.

۶۶- لسوپولد (۱۸۶۵- ۱۹۲۵) از بزرگ‌ترین شعرای جدید هلندی است، وی در مجموعه‌های شعر کوچک‌ی به نام «شرقی» ترجمه‌های آزادی از شعرهای خیام و نیز بسیاری از شعرای عرب و فارسی گو منتشر کرده است.

۶۷- لازار، ژیلبرت: خاورشناس فرانسوی، از آثار اوست: اشعار پراکنده‌ی قدیم‌ترین شعرای فارسی زبان، پهلوی، پهلوانی در شاهنامه ترجمه‌ی ژاله آموزگار (بازتاب زبان پهلوی در شاهنامه).

۶۸- لسترنج: (۱۸۵۴- ۱۹۳۳) متولد انگلستان که به دلیل آشنایی با مهل (مستشرق فرانسوی) به آموختن فارسی و عربی پرداخت و از سال ۱۸۷۷ تا ۱۸۸۰ مصادف با سلطنت ناصرالدین شاه قاجار در ایران بود که به تکمیل زبان فارسی پرداخت، از آثار اوست: ترجمه‌ی قسمت جغرافیایی نزهة القلوب حمدالله مستوفی (۱۹۱۴) و بغداد در زمان خلافت عباسیان (۱۹۰۰) و کتاب مهم «جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی» که به ترجمه‌ی عرفان به چاپ رسید. هم‌چنین ترجمه‌ی تجارب الأمم ابن مسکویه.

۶۹- لویی ماسینیون: خاورشناس فرانسوی (۱۸۸۲- ۱۹۶۲) مطالعات وی در باب حلاج معروف است از آن جمله است «سخن اناالحق و عرفان حلاج» ترجمه ضیاءالدین هشتودی،

تهران ۱۳۴۷.

۷۰- لنچوووسکی- زرز: خاورشناس لهستانی الاصل مقیم امریکا و استاد دانشگاه کرنل، از تألیفات اوست «روسیه و دول غربی در ایران»

۷۱- ماتسوخ، رودلف: شرق‌شناس چکسلواکی، کلیه‌ی زبان‌های سامی، آکادی، عبری و لهجه‌ی کنعانی، عربی و حبشی و... را می‌دانست در سال ۱۹۴۹ برای فرا گرفتن زبان فارسی عازم ایران شد و به جهت تحولات سیاسی کشور خود تبعه‌ی دولت ایران شد، مقالات او تحت عنوان «زبان آرامی در دوره‌ی هخامنشی» در مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات، باعث شد تا دانشگاه برلن غربی او را به آلمان دعوت کند و کرسی تدریس دانشگاهی السنه‌ی شرقی را بدو واگذار کند. او دو سال در ایران بود. همسر ماتسوخ ایرانی است و دختر ماتسوخ دانشجوی رشته‌ی ایران‌شناسی است و رساله‌ی او ترجمه‌ی قسمت دوم ماتیگان هزار داستان زیر نظر گبرخت است.

۷۲- ماخالسکی: نخستین محقق لهستانی بود که فارسی محاوره‌ای را در ایران آموخته بود، از آثار اوست: رمان تاریخی فارسی (۱۹۵۲) و اثر سه جلدی «ادبیات معاصر ایران» که فقط به شعر می‌پردازد و توجه‌ی او بیشتر از لحاظ انعکاس ایدئولوژی در آن آثار است، هم‌چنین بخش‌هایی از شاهنامه را به زبان لهستانی ترجمه کرد و رسالاتی در باب شاهنامه نوشت.

۷۳- خانم ماهونگ یان (پرستو) ایران‌شناس چینی که رمان بوف کور صادق هدایت را به زبان چینی ترجمه کرد و در صدد ترجمه‌ی مثنوی مولانا است.

۷۴- ماری شیمیل: شرق‌شناس نامدار و مولوی‌شناس پرآوازه‌ی دنیای غرب. به سال ۱۹۲۲ در آلمان متولد شد و در ۱۹ سالگی موفق به اخذ درجه‌ی دکتری در رشته‌ی مطالعات اسلامی از دانشگاه برلین شد. وی مدتی در دانشگاه‌های آلمان و امریکا به تدریس پرداخت. از آثار اوست: شکوه شمس (سیری در آثار و

افکار مولانا) ترجمه‌ی حسن لاهوتی، خوش‌نویسی و فرهنگ اسلامی ترجمه‌ی اسدالله آزاد، سیر گسترش اسلام در شبه‌قاره‌ی هند، آواز پر جبرئیل در باب افکار و عقاید محمد اقبال لاهوری، هم‌چنین کتاب «من بادم و تو آتش» مجموعه‌ای از نوشته‌های وی درباره‌ی زندگی مولانا است که آقای فریدون بدره‌ای آن را ترجمه کرده است، و کتاب درآمدی بر اسلام ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی.

۷۵- مایر، فریتس: (۱۹۱۲- ۱۹۹۸) اسلام‌شناس شهر سوسی که تحقیقات خود را به زبان آلمانی می‌نوشت، از آثار اوست: مهستی زیبا درباره‌ی شاعره‌ی ایرانی، تحقیق عالمانه درباره‌ی اسحق کازرونی با عنوان «فردوس المرشدیه» و کتاب بهاء ولد درباره‌ی پدر مولانا و عرفان او، تصحیح کتاب فوائح الجمال و فوائح الجلال در باب شخصیت نجم‌الدین کبری و مهم‌تر از همه کتاب «حقیقت یا افسانه» درباره‌ی شخصیت ابوسعید ابوالخیر که به کوشش خانم مهر آفاق بایوردی به فارسی ترجمه شد.

۷۶- ملکم، سر جان (متولد ۱۷۶۹) سفیر انگلستان در دربار فتحعلی شاه قاجار. وی سفرهای متعددی به ایران کرد و تاریخ ایران را از زمان پیشین تا روزگار خود به زبان انگلیسی نوشت، این کتاب را اسماعیل حیرت، ادیب و معلم ایرانی ترجمه کرد و در بمبئی به چاپ رسانید.

۷۷- موله، ماژیران: ایران‌شناس معروف یوگوسلاو نژاد که پایان‌نامه‌ی او درباره‌ی گرشاسب‌نامه‌ی اسدی توسی بود، وی کوشید تا داستان‌های حماسی ایران را از دیدگاه ساختارگرایی و اسطوره‌شناسی بررسی کند. طبع متن کامل الانسان الكامل عزیز نسفی و کتاب «قصه‌ی زردشت بر اساس متون پهلوی» ۷۸- میسن، هربرت: وی سی سال در احوال حلاج تحقیق کرده و اثرش مرجع و مأخذ است در این باب از جمله‌ی آثار او کتاب «میسن هربرت و حلاج» که با ترجمه‌ی دکتر مجدالدین کیوانی در تهران (۱۳۷۷) منتشر شد.



۷۹- مینورسکی: به روسی، فرانسه، انگلیسی، ایتالیایی، آلمانی و... عربی و فارسی آشنا بود و کتاب‌ها را در همه‌ی این زبان‌ها می‌توانست بخواند و بنویسد. وی به سال ۱۸۷۷ در شهری کوچک کنار رود ولگا به دنیا آمد و در مسکو تربیت یافت و در دانشگاه آن شهر درس حقوق خواند. و به مدت سه سال در انستیتو لازارف به آموختن السنه‌ی شرقی پرداخت و سپس به خدمت وزارت خارجه روسیه درآمد و از سال ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۸ در ایران خدمت کرد، گویا بعد از انقلاب اکتبر روسیه به فرانسه رفت و به تدریس زبان ترکی پرداخت و در سال ۱۹۳۰ به لندن رفت و به معلمی زبان و ادبیات فارسی در مدرسه‌ی السنه‌ی شرقیه‌ی لندن پرداخت و به سال ۱۹۶۶ درگذشت. وی با دایرةالمعارف اسلام همکاری داشت و مقالات مربوط به تاریخ و جغرافیای ایران و قفقاز و ترکیه را می‌نوشت. از آثار اوست: رسالتی در باب سلطنت دیالمه - نوشتن تعلیقات و ترجمه‌ی کتاب حدودالعالم به انگلیسی، رساله‌ی خواجه نصیرالدین طوسی، مقالاتی در باب خاقانی و ویس و رامین، تحقیق راجع به «اهل حق» و ترجمه‌ی تذکرهالملوک به انگلیسی با نوشتن تعلیقات.

۸۰- نولدکه- تئودور، به سال ۱۸۳۷ در هامبورگ ولادت یافت و به سال ۱۹۳۱ وفات کرد، این خاورشناس آلمانی در زبان‌سامی و لغات شرقی تخصصی تمام پیدا کرد. مهم‌ترین مؤلفات نولدکه «تاریخ قرآن» است که به دریافت جایزه‌ی آکادمی فرانسه نایل شد. از آثار دیگر او تاریخ ایران و عرب‌ایام ساسانی و حماسه‌ی ملی ایران و اساس فقه اللغة ایرانی می‌باشد. کتاب حماسه‌ی ملی ایران توسط علوی به فارسی ترجمه شد (دانشگاه تهران ۱۳۲۷)

۸۱- نیکلسون: یکی از شرق‌شناسان معروف انگلیسی و از شاگردان ادوارد براون بود. وی از عارف‌ترین دانشمندان جهان به تصوف و عرفان اسلامی است. به زبان فارسی و عربی تسلط داشته و متن کتاب مثنوی معنوی مولوی را با ترجمه‌ی انگلیسی و شرح و تفسیر

مفصل در مدت ۲۰ سال نوشت. نسخه‌های خطی عربی، فارسی و ترکی که براون مشغول تهیه‌ی فهرست آن بود و موفق به اتمام آن نشده بود یادداشت‌های او را در اختیار نیکلسون قرار دادند و وی فهرست را در سال ۱۹۳۳ به چاپ رسانید.

پدر نیکلسون طبیعی بود از سکنه‌ی اسکاتلند و خود او به سال ۱۸۶۸ متولد شد و به سال ۱۹۴۴ درگذشت، تحصیلات او در کمبریج بود. و به سال ۱۹۰۱ استاد زبان فارسی در دانشگاه لندن شد.

از دیگر آثار او می‌توان از: منتخباتی از غزلیات مولوی به زبان انگلیسی با شرح و حواشی، انتشار متن‌هایی از تذکره‌الاولیای عطار و ترجمان‌الاشواق این عربی و تحقیقات در تصوف اسلامی و ترجمه‌ی کشف‌المحجوب هجویری را نام برد.

۸۲- ولادیمیر ایوانف: (۱۸۸۶- ۱۹۷۰) او سال‌ها از عمر خود را در هندوستان و عمدتاً در بمبئی به جست و جوی متون اسماعیلی در باب اسماعیلیه پرداخت و چندین مقاله و کتاب در این زمینه منتشر ساخت از جمله مطالعات اسماعیلی (۱۹۲۲) راهنمای ادبیات اسماعیلی (۱۹۳۳) وی با هانری گرین نیز مکاتبه داشته است.

۸۳- یوچل، حسن عالی: نویسنده‌ی ترک (وفات ۱۳۳۹) وزیر معارف ترکیه بوده است و مردی صاحب‌معرفت. وی حافظ، سعدی و مولانا را ترجمه کرده است.

۸۴- هانری ماسه: خاورشناس معروف فرانسوی (۱۸۸۶) آثار او عبارت است از ترجمه‌ی بهارستان جامی، تألیف کتابی درباره‌ی شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی، کتاب فردوسی و حماسه‌ی ملی و نیز کتابی هم در آداب و اعتقادات ایرانیان در ۲ جلد (۱۹۳۸) نوشته است، این دانشمند مکرر به ایران آمده است.

۸۵- هانزن، کورت هاینریش آلمانی: وی کتابی در باب شاهنامه‌ی فردوسی (ساختار و قالب) نوشته و در این اثر شاهنامه‌ی فردوسی را

طبق شیوه‌های مرسوم تاریخ ادبیات مورد دقت و موشکافی و مقایسه‌ی تطبیقی قرار داده است.

۸۶- هرترفلد آلمانی در تهران درس پهلوی و فرس قدیم می‌داد و بزرگانی چون ملک‌الشعرای بهار، رشید یاسمی، رحیم زاده‌ی صفوی - تقی زاده، کسروی، مجتبی مینوی، علی اصغر حکمت و نصرالله فلسفی در محضر درسش حضور به هم می‌رسانند که حدود چهل مجلس ادامه یافت.

۸۷- هینس، والتر W. Hinz: ایران‌شناس بزرگ آلمانی که به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی، یونانی و لاتینی احاطه‌ی کامل دارد وی زبان‌های ایرانی پیش از اسلام را خوب می‌شناخت و حتی در زبان عیلامی که زبان قدیم‌ترین حکومت در تاریخ ایران است از جمله متخصصان انگشت شمار است از آثار اوست: تشکیل دولت ملی در ایران ترجمه‌ی کیکاووس جهانداری و کتاب دنیای گمشده‌ی عیلام ترجمه‌ی فیروز فیروزیا و کتاب شاه اسماعیل دوم صفوی ترجمه‌ی کیکاووس جهانداری، دکتر ایرج افشار در کتاب بیاض سفر می‌نویسد که «او روی هم رفته پانزده شانزده زبان را عالمانه می‌داند»

۸۸- والتر هنینگ: از اعظم محققان و استادان صاحب‌رأی در السنه‌ی قدیم ایران است و استاد زبان مهجوری ایرانی در مدرسه‌ی السنه‌ی شرقی و افریقایی لندن است. وی در شهر کوچکی به نام رگت واقع در ایالات پروس شرقی به دنیا آمد و شاگرد پروفیسور آندرتاس بود. وی در ایران‌شناسی از علمای عالی‌رتبه بود. کار او تحقیق در مخطوطات مانویان و خواندن کتیبه‌های پهلوی و پرثوی و تحقیق و تتبع در مندرجات آن‌هاست، کار غالب او رشته‌ی فقه اللغة یا زبان‌شناسی است و اهتمامی که در روشن کردن تاریخ مانویان داشته چندان بوده است که هرکس بعد از این در این زمینه بخواهد کاری انجام دهد رهین زحمات و اکتشافات او خواهد بود.

۸۹- سایکس: ژنرال انگلیسی (وفات ۱۹۴۵) وی مدتی فرمانده‌ی پلیس جنوب ایران



بود از آثار اوست: تاریخ کرمان، تاریخ مختصر ایران و تاریخ مفصل ایران با ترجمه‌ی فخر داعی. و کتاب هشت سال در ایران ترجمه میرزا نصرالله شیرازی.

۹۰- کانار، محمد: پروفیسور محمد کانار ایران شناس ترک و مدرس زبان عرب و فارسی در دانشگاه استانبول است از آثار اوست، ترجمه‌ی رباعیات او حدالدین کرمانی، پیدایش و تطور ادبیات معاصر ایران.

۹۱- کارل یان: استاد ادبیات فارسی در دانشگاه لیدن اُتریشی چکسلواکی الاصل که همه‌ی اهتمامش یکسره معطوف مطالعه در تاریخ دوره‌ی ایلخانی بوده خصوص درباره‌ی رشیدالدین فضل‌الله، به برکت همین مساعی کتاب جامع التواریخ وی را به زبان آلمانی ترجمه کرده است. هم چنین وی تاریخ ادبیات ریپکا را از زبان آلمانی به زبان انگلیسی ترجمه کرد با افزایش‌هایی در خور به سال ۱۹۶۸

۹۲- کووالسکی: محقق لهستانی، کتاب ۲ جلدی او به نام «مطالعاتی در شاهنامه» (۱۹۵۲م) مهم است. وی شاگرد نولدکه بوده است.

- در این بخش فقط به نمونه آثاری اشاره می‌شود که به وسیله خاورشناسان نوشته شده است:

۱- نظام اجتماعی مغول، تألیف ولادیمیر نسف، ترجمه‌ی شیرین بیانی.

۲- معماری اسلامی ایران در دوره‌ی ایلخانیان تألیف دونالدن ترجمه‌ی عبداللّه فریاری.

۳- زبان و ادبیات پهلوی، فارسی میانه اثر تاوادیا ترجمه‌ی نجم‌آبادی.

۴- کویرهای ایران اثر سون هدن ترجمه‌ی پرویز رجبی.

۵- جنگ جهانی در ایران اثر اسکریبن ترجمه‌ی صالح یار.

۶- تاریخ فتوحات مغول اثر جرج ساندرز.

۷- باغ‌های ایران تألیف دونالد ویلبر ترجمه‌ی میهن دخت صبا، کتابی هم دارد تحت عنوان «ایران معاصر».

۸- منم تیمور جهانگشا به کوشش مارسل بریون ترجمه‌ی ذبیح‌الله منصوری.

۹- زبان‌های ایرانی میانه اثر مارک درسدن

ترجمه‌ی احمد تفضلی.

۱۰- خداوند الموت تألیف پُل آمیر ترجمه‌ی ذبیح‌الله منصوری.

۱۱- تاریخ اشکانیان اثر میخائیل میخائیلوویچ ترجمه‌ی کریم کشاورز.

۱۲- تعالیم مغان اثر آر. سی. زنر ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای.

۱۳- شعر صوفیانه‌ی فارسی تألیف یوهانس دوبرین ترجمه‌ی دکتر مجدالدین کیوانی.

۱۴- عناصر ترکی و مغولی در زبان فارسی جدید اثر دورفر آلمانی در چهار مجلد بالغ بر دوهزار صفحه.

۱۵- از تخت جمشید تا آسوکای اثر ماتسو موتو (ژاپنی).

۱۶- نقش اسماعیلیان در ایران (۱۹۷۸) اثر استرووا (ایران شناس روس).

۱۷- از خراسان تا بختیاری از هانری رنه دالمانی ترجمه‌ی غلام‌رضا سمعی.

۱۸- کتاب فتودالیم در ایران باستان نویسنده گتویدن گرن (ایران شناس سوئدی) ترجمه‌ی هوشنگ صادقی، انتشارات قطره، چاپ ۱۳۷۸.

## منابع و مآخذ

در این جا برای جلوگیری از اطاله‌ی مقاله فقط نام آثاری که از آن‌ها بهره برده شده، آورده می‌شود.

۲۰- مقالات تقی‌زاده، به کوشش ایرج افشار، ج ۲، بهمن ۱۳۵۰

۳- مقاله‌ی غربزدگی جلال آل احمد، اخذشده از فارسی سال چهارم عمومی، کد ۲۸۳، ص ۱۰۲

۴- تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی- کامل احمدنژاد، ص ۱۰، سال چهارم متوسطه- علوم انسانی، کد ۳۱۳/۱

۵- شرح سودی بر حافظ، ترجمه‌ی خانم دکتر عصمت ستارزاده

۶- شاهنامه‌ی فردوسی به کوشش دکتر سعید حمیدیان

۷- جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی تألیف لسترنج ترجمه‌ی محمود عرفان

۸- تاریخ ادبیات ایران تألیف ریپکا

ترجمه‌ی دکتر عیسی شهبابی

۹- فرهنگ خاورشناسان تألیف ابوالقاسم سحاب، انتشارات سحاب، تهران

۱۰- نقدحال، مجموع مقالات مجتبی مینوی، ۱۳۵۱، تهران

۱۱- فصلنامه‌ی هستی‌شناسی و ویژه‌ی پاییز، ۱۳۷۸ - صاحب امتیاز محمدعلی اسلامی ندوشن

۱۲- در زمینه‌ی ایران‌شناسی به کوشش چنگیز پهلوان، انتشارات نگار

۱۳- تاریخ‌نگاری در ایران (مجموعه‌ی مقالات) ترجمه‌ی یعقوب آژند، نشر گسترده

۱۴- کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره‌ی پنجم، سال سوم، سال ۱۳۷۸

۱۵- شکوه شمس اثر ماری شیمیل ترجمه‌ی حسن لاهوتی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، سال ۱۳۷۰

۱۶- کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره‌ی

چهارم، اسفند ۱۳۷۸ (۲۸ و ۲۹)

۱۷- آینه‌ی پژوهش، سال دهم، شماره‌ی ششم، بهمن-اسفند ۱۳۷۸

۱۸- مقالات عباس اقبال آشتیانی به کوشش دبیر سیاقی، سال ۱۳۵۰

۱۹- دکتر محمد معین، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، ج ۵

۲۰- روزنامه‌ی همشهری سه‌شنبه ۲۱/۲/۱۳۷۹ شماره‌ی ۱۰/۲۱۲۲ خرداد ۱۳۷۹، شماره‌ی ۲۱۳۰ (دکتر داریوش اکبرزاده)

۲۱- نشر دانش، فصلنامه‌ی ادبی، فلسفی، تاریخی، سال شانزدهم، شماره‌ی دوم، تابستان ۱۳۷۸/ شماره‌ی سوم

۲۲- تیمور فاتح به کوشش امیر اسماعیلی، انتشارات شقایق، چاپ ۱۳۶۹

۲۳- نای هفت بند، باستانی پاریزی، محمدابراهیم، چاپ پنجم، ۱۳۶۹

۲۴- ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن،

ترجمه‌ی مرتضی اسعدی، سال ۱۳۷۱

۲۵- ایران از نظر خاورشناسان، ترجمه دکتر رضازاده شفق، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۳۵

۲۶- از سیر تا پیاز، باستانی پاریزی، محمدابراهیم

۲۷- خاورشناسی در روسیه و اروپا، بارتولد، ترجمه‌ی حمزه سردادور، انتشارات ابن سینا

۲۸- روزنامه‌ی بهار، سه‌شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۹، شماره‌ی اول، ص ۸ (مصاحبه با خانم ماهونگ یان)

۲۹- کیستی ما از نظر روشنفکران ایرانی، نوشته‌ی حسین کاشی، انتشارات روزنه، ۱۳۷۸

۳۰- افشار، ایرج، بیاض سفر، انتشارات توس، تهران ۱۳۵۴

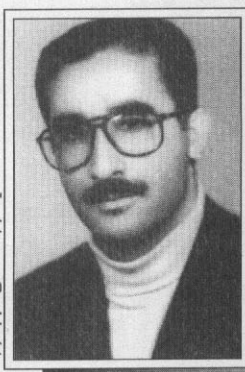
۳۱- تصوف و ادبیات تصوف، برتلس، بازگردان سیروس یزدی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶



در این مقاله به موضوعاتی نظیر تفاوت طنز و هجو و لطیفه، مشکلات طنز امروز ایران، تبیین لطیفه و لطیفه گویی و تفاوت آن با طنز اشاره می شود. نویسنده می کوشد در بخش دیگری از مقاله ی خود تفاوت این مقولات را از زاویه ی صورت و معنا، صمیمیت، ساختار، جنبه های فردی و اجتماعی، خنده، تأثیر زبان و شخصیت بررسی نماید.

نویسنده ی مقاله آقای تیمور غلامی از دبیران پر تلاش زبان و ادبیات استان بجنورد است. تحصیلات خود را تا مقطع کارشناسی ادامه داد و هم اکنون به تدریس مشغول است از وی مقالاتی چند در مطبوعات کشور چاپ شده است.

\*\*\*



تیمور غلامی - بجنورد

# تفاوت طنز و هجو

هزل و لطیفه تعریف مشخص تری دارند و اختلاف کم تری بر سر فهم و درک آنها وجود دارد هر چند که درباره ی لطیفه به نظر می رسد باز هم گاه بی انصافی می شود، اما مشکل اصلی در دریافت طنز است زیرا بارور است و دارای جنبه های مختلف، ساختاری چندلایه دارد و در گذر ایام هر زمان به رنگی درآمده، و از تنوع زیادی برخوردار است. طنز و هجو معمولاً حامل اندیشه های زمان خود هستند؛ اندیشه هایی که رنگ جامعه شناسانه و سیاسی و اجتماعی و فلسفی دارند. همیشه این معانی بلند و ظریف، تعیین کننده ی شکل و قالب اثر بوده اند و به عبارت دیگر نقش زیادی در ارائه ی فرم اثر داشته، اما در هجو و یا طنز غیرهنرمندانه معمولاً شکل و فرم و ساختار اثر است که معنا را به دنبال خود می کشاند. بدین جهت است که معمولاً قالبی و ایستا هستند. تعبیر و تفسیرهای چندلایه را بر نمی تابند و بسیاری را خوش بین کرده اند که در تعبیر و تفسیر طنز استادند. ولی نباید دل خوش کرد و از طنزهای خلاق غافل ماند.

برداشت بسیاری از کسان، از طنز و هجو، همواره به صورت قالبی و یکسان و ایستاست، بدین جهت وقتی که داشته های ذهنی شان نتواند به تفسیر و توضیح آثار خلاق جدید پردازد به مخالفت با آن فرم جدید می پردازند و یا ساده انگاری می کنند و به همان داشته های قبلی شان بسنده می کنند در حالی که از این نکته سخت غافلند

